

نوا فرینی

تیا میلاگ

محمد رضا آل یاسین

سرشناسه	:	سیلیگ، تینا لین Seelig, Tina Lynn
عنوان و نام پدیدآور	:	نوآفرینی/تینا سیلیگ ؛ [مترجم] محمدرضا آل یاسین.
مشخصات نشر	:	تهران: هامون، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۲۲۸ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-964-6538-47-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	Insight out : get ideas out of your head and into the world , [2015].
موضوع	:	اندیشه و تفکر خلاق
موضوع	:	Creative thinking
موضوع	:	خلاقیت
موضوع	:	Creative ability
موضوع	:	خلاقیت در کسب و کار
موضوع	:	Creative ability in business
موضوع	:	نوآوری
موضوع	:	Technological innovations
موضوع	:	کارآفرینی
موضوع	:	Entrepreneurship
شناسه داده	:	آل یاسین، محمد رضا، ۱۳۲۸ - مترجم
رده بندی کتبی	:	۴۰۸BF س ۹ ن ۱۳۹۸
رده بندی دیویدی	:	۱۵۳/۳۸
شماره کتابشناسی	:	۵۶۴۳۷۲۶



خیابان جمهوری - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه هفتم - پلاک ۲ - واحد ۱
تلفن: ۶۶۴۸۸۳۸۰ - تلفکس: ۶۹۷۳۸۶۶ - همرا: ۰۹۱۲۳۳۷۱۵۶۶

نوآفرینی

نویسنده: تینا سیلیگ

مترجم: محمدرضا آل یاسین

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۳۸-۴۷-۴

ISBN: 978-964-6538-47-4

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۵	نامی به خوانندگان
۱۱	مقدمه - از «آ» تا «ا»
۳۱	بخش اول - تمهید
۳۹	فصل اول - درگیر شدن در کربی تازه
۵۳	فصل دوم - تصویرسازی هنری
۸۵	بخش دوم - خلاقیت
۹۱	فصل سوم - شور و انگیزه
۱۰۹	فصل چهارم - آزمودن و تجربه کردن
۱۲۷	بخش سوم - نوآوری
۱۳۳	فصل پنجم - تمرکز
۱۵۱	فصل ششم - تغییر چارچوبها
۱۷۱	بخش چهارم - کارآفرینی
۱۷۷	فصل هفتم - پایداری
۱۹۷	فصل هشتم - الهام
۲۲۱	خلاصه پروژه‌ها

مقدمه

از الهام تا اجرا

بیش از نیمی از زندانیان ایالت کالیفرنیا حداکثر تا سه سال بعد به زندان باز می‌گردند. این تکرار جرم حاکی از آن است که احساس حقارت و ناشایستگی سلطان و حاکم وجودشان شده و مقدراتشان را در دست دارد. افرادی که از زندان آزاد می‌شوند حتی دهه‌ها پس از نخستین محبوس شدنشان در زندان اجتماعی، بخصوص کسب و کار، با گزینه‌های محدود رو به رو هستند. زنا به مردم به آنان و عدم حمایت و دستگیری اطرافیان مانع از آن می‌شود که بر گناهان خویش خط بطلان کشیده و به زندگی عادی‌شان بازگردند. این عامل موجب می‌شود بسیاری از آنان دوباره به جرم و بزهکاری روی آورده و به زندان بازگردند. در واقع این یک مانع و گرهگاه روانی است که نمی‌گذارد به تغییر و صلاح خود بیندیشند.

دو نفر از کارآفرینان موفق به اسامی کرس ردلتز و بورلی پاینت به طور آزمایشی برنامه‌ای را طرح‌ریزی کردند تا زندانیان ندامتگاه سن کوانتین کالیفرنیا هنگام تحمل کیفر در رشته‌های مختلف تکنولوژی و تجاری آموزش ببینند و تحت تأثیر کسب این مهارتها و احساس شایستگی ناشی از آن به تصفیه‌ی درونی خود پرداخته و احساس حقارت را که چون زخمی عفونی در ژرفای وجودشان جا خوش کرده التیام

بخشیده و با روحیه‌ای مثبت به جامعه بازگردند. برای این منظور این دو کارآفرین همراه با چند داوطلب دیگر که در زمینه‌های مختلف مهارت داشتند به مدت شش ماه، هفته‌ای دوبار به این زندان رفته اصول کارآفرینی را به آنان تعلیم داده و یاری‌شان کردند در رشته‌هایی مانند سخت‌افزار و نرم‌افزار کامپیوتر و مکاتبات و مراسلات اداری و حسابداری ماه شوند. زندانیان شرکت کننده در این پروژه‌ها آموختند چگونه از جنولوژی برای غلبه بر مسایل اجتماعی‌شان سود ببرند و چطور با سخنرانی در جمع طرح و یا ایده‌شان را برای دیگران توضیح دهند. در پایان این آموزش شش‌ماهه، آنان در یک گروه‌مایی طرح‌شان را برای مدیران اجرایی و بمقتضای زندانی‌شان توصیف کردند؛ گروهی با تأسیس یک کلوپ ورزشی، بازسازی معنای معتاد را یاری کردند با انجام تمرینات ورزشی و یک رژیم غذایی مناسب تندرستی و شادابی را جایگزین اعتیاد و عواقب هولناک ناشی از آن کردند. گروه دوم که از نظر هوش و ذکاوت وضعیت بهتری داشتند پس از یادگیری چگونگی طراحی و ساخت اپلیکیشن‌های موبایل بیدرنگ پس از آموختن اسب و کار ابتکاری‌شان را آغاز کردند. طرح گروه سوم این بود که ساریجات و صیفی‌جات نظیر سیب‌زمینی، پیاز و گوجه‌فرنگی لک‌زده را به قیمت ارزان بخرند و آن را با قیمت بالا به رستوران‌هایی که آنها را می‌پختند و عاهرات دهه بایشان اهمیتی نداشت بفروشند.

مهم‌ترین چیزی که این مردان آموختند این بود که اگر به توانایی خویش برای کارآفرینی ایمان داشته باشند، نیروی الهام را دست‌کم نگیرند و از قبول مسئولیت‌های سنگین شانه خالی نکنند قفل‌های بسته و ناگشوده باز شده و تقریباً هیچ حد و مرزی برای آنچه مایلند به دست آورند وجود نخواهد داشت. این نکته تنها درباره‌ی زندانیان مصداق ندارد.

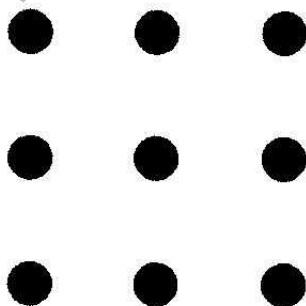
چه بسیارند افرادی که در گوشه و کنار جهان خود را در غل و زنجیر زندان حقارت نفس محبوس کرده، خواسته‌ها و امیال‌شان را پس زده و در لاک خود فرو رفته‌اند. غافل از این که با این کار در مقام ضدیت با خود هستند و حکم ناکامی خود را امضا کرده‌اند. حال آن که اگر به عنوان فردی نوآور آینده‌ای پربار را با چشم دل ببینند و کامیابی‌شان را قطعاً تلقی کنند احساس خودکم‌بینی و حقارت در وجودشان از بیخ و بن رخت بر بسته و در پی آن اعتدال و حسن سلوک و آرامش و سازگاری جای آن را خواهد گرفت. آنگاه برای دستیابی به آنچه به راستی می‌خواهند خیره محبت و توفیق و شادمانی و روابط دلخواه و کار رضایت‌بخش و جهان‌نفرس و تندرستی و زیبایی و ثروت و توانگری و آرامش درون و همسنگی و خواه هر مراد دیگر دلشان، هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت.

به اعتقاد من نیاموختن اصول کار، فریبی به جوانان گناهی نابخشودنی است. همه‌ی ما مسئولیم تا از قدرت بی‌مثال و بی‌همتایی که در درون خود داریم آگاه شده و با توسل به این نیروی نامشعوس از مشکلات و سختی‌های دنیا و نیز از فقدانها، دردها، اضطرابها، نگرانیهای مردم بکاهیم، و این کار مستلزم بهره‌مندی از دانش، مهارت و روشهای مورد نیاز برای تبدیل فکر، آرمان، طرح و یا نقشه به عمل است. متأسفانه درسهایی که در مراکز آموزشی تعلیم داده می‌شود به جای این که با ابتکار و نوآوری توأم باشد به حفظ مباحث و فرمولها متمرکز است. به جای این که دانش‌پژوهان را ترغیب کنند صحنه‌های وسیع‌تری از زندگی را ببینند و اصول و خصوصیات قهرمانی را بیاموزند، و با موفق‌ترین افراد جهان همگام و همدوش شوند، تنها آنان را به مطالعه‌ی شرح حال زندگی قهرمانان ملزم می‌کنند؛ به جای این که راه‌حل چالشهای زندگی واقعی را

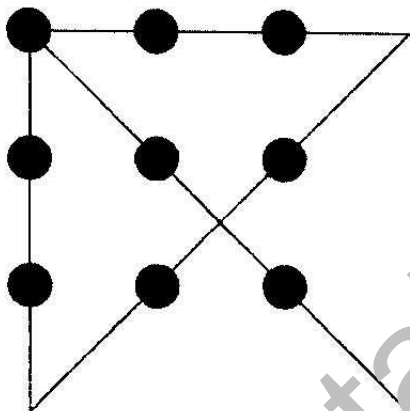
به اشکال و شیوه‌های مختلف نشان دهند، برای هر مسأله تنها یک راه‌حل سراغ دارند. حال آن که هر دانشجو پس از فارغ‌التحصیلی باید عملکردی در سطح بالا داشته باشد و حس کند قادر است بر موانع چیره شده و به فرصتهایی که چشم‌انتظارش است مجال تجلی دهد. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که نوآوری و کارآفرینی مانند رنگ مو و یا چشم خسیصه‌ای ذاتی است، اما این پنداری باطل بیش نیست. کارآفرینی فنی است اکتسابی و هنری است آموختنی. افراد باید در پی آن بروند و راز و دقایق آن را بیاموزند. آگاهی از این واقعیت پرده از روی هنرهای آنان برداشته و ترغیب‌شان می‌کند به نگرش خود نسبت به اهداف‌شان و به تبعیت بخشد، نوآوری را در دستور کارشان قرار دهند و با آفرینش پدیده‌های نو، در جایگاهی که خاص خودشان است بنشینند، استعدادهای نهفته‌شان را برملا کنند و به کار و پیشه خویش رنگ و جلایی دیگر بخشند. اگر این پرسش مطرح می‌شود که چرا مردم تصور می‌کنند خلاقیت و کارآفرینی آموختنی نیست؟ به اعتقاد من این طرز تفکر از فقدان لغات و اصطلاحات دقیق و پرمعنا و نیز فرایندی روشن برای تبدیل الهام به اجرا سرچشمه می‌گیرد.

در رشته‌هایی مثل فیزیک، بیولوژی، ریاضیات و موسیقی به خاطر فرمولها و اصول مشخص و ملموس، آموزش رویکردی مستقیم و دقیق دارد. به طور مثال اگر ما برای نیرو (F)، جرم (M) و شتاب (a) فرمول $F=m.a$ که رابطه‌ی آنها را توصیف می‌کند، تعریف روشنی نداشتیم از داشتن اتومبیل، هواپیما، کشتی و بسیاری از وسایل دیگر محروم می‌شدیم. تعاریف و معادلات به ما امکان می‌دهد اصول کلیدی را توصیف کرده و آنها را به طور مؤثر به کار ببریم.

بعکس ما برای توصیف فرایندی خلاقه واژگان و فرمول روشن و مشخصی نمی‌شناسیم. بیشتر کارهای خلاق قابل پیش‌بینی نیستند، اغلب مجهول و ناشناخته‌اند، برد و باخت و آزمون و خطا هستند و مادامی که آدمیان قصد ورود به وادی ناشناخته‌ها را نداشته باشند و امنیت‌شان را از تمامیت وجود، اصول و ارزشهای نهانی خویش طلب نکنند، درگیر شدن در کارهای تهورآمیز و خلاقه را امری دلسردکننده و نیرنگ می‌خواهند یافت. وقتی در مکانهای مختلف اعم از کلاس درس، دفاتر شرکتها و اسپینارها از افراد می‌پرسیم که خلاقیت را تعریف کنند با طیف وسیعی از پاسخهای ضد و نقیض روبه‌رو می‌شوم. اغلب افراد سخن‌شان را با این سرازیر آغاز می‌کنند: «به اعتقاد من خلاقیت یعنی...» و در بیشتر مواقع مسام ترصیف به مطلبی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد خلاقیت در خارج از یک محدوده و یا چارچوب است. اگر از آنان بپرسید که: «این یعنی چه؟» پاسخ برای آن سراغ ندارند. این کلیشه از پازل مشهور «نه نقطه‌ای» سرچشمه می‌گیرد. در این پازل (شکل زیر) شما باید بتوانید با ترسیم چهار خط و یا کم از این نه نقطه را به هم متصل کرده و هنگام انجام این کار قلم از روی کاغذ بردارید.



روش دیگر برای حل این پازل آن است که هنگام کشیدن این خطوط آن را به بیرون از محدوده‌ی این جعبه‌ی خیالی امتداد دهید.



جیم آدامز^۱ در کتابی تحت عنوان: «انسداد ادراکی»^۲ با اشاره به فهرست بلندبالایی از راه‌س‌های دیگر برای این پازل می‌کوشد دامنه‌ی قوه‌ی تخیل‌مان را توسعه می‌دهد. از جمله مجاله کردن یک قطعه کاغذ و کشیدن یک خط که تمام این نقاط را قطع می‌کند، و یا ترسیم خطی که به صورت تخیلی برای گذشتن از تمام این نقاط دنیا را دور می‌زند، و یا استفاده از یک قلم نوک پهن که با بر چشم برهم زدن از تمام این نقاط می‌گذرد.

از آنجایی که بیشتر افراد ریشه‌ی اصطلاح: «خارج» پارچوب فکر کن» را درک نمی‌کنند برای توصیف خلاقیت از عبارتهای «لیشه‌ای و بی‌معنا که از این و آن شنیده‌اند استفاده می‌کنند. واقعیت امر این است که خلاقیت مستلزم مجموعه‌ی پیچیده‌ای از مهارتها، نگرشها و

1. Jim Adams

2. Conceptual Block Busting

عملکردهاست که به صورتی تنگاتنگ با قوه‌ی تخیل، نوآوری و کارآفرینی درآمیخته است. برای بهره‌برداری از خلاقیت‌تان ضرورت دارد از تمام جزئیات این فرایند کارآفرینانه استنباط روشنی داشته باشید. عبارات کلیشه‌ای که در این زمینه اغلب از این و آن شنیده می‌شود ابداً کارساز نیست.

استش را بخواهید من نیز مثل بسیاری از افراد دیگر در ترویج رشته‌های گنگ و مبهم نوآوری و کارآفرینی مقصرم. زیرا در خلال ده، دوازده سال به تدریس دوره‌ای به نام خلاقیت و نوآوری اشتغال داشته‌ام، اما علمای تخیل، خلاقیت و نوآوری را به جای یکدیگر به کار برده‌ام. گرچه برای بررسی مسایل در چارچوبی متفاوت، به چالش کشیدن فرضیات و اندال افکار و ایده‌ها، مجموعه‌ای از فنون و مهارتها را تدریس می‌کردم، اما چارچوب به قدری سرراغ نداشتم که بتوانم آنها را در آن جفت و جور کنم. با وجود این پس از سالها حضور تمام وقت در این رشته به این حلقه‌ی گمشده که بسیار مهم تعیین کننده است پی بردم. به هر حال بدون یک چارچوب نیرومند و روشنی نمی‌توانیم مهارتهایی را که ما را در فرایندی خلاقه به جلو می‌راند بیاموزیم و آموزش دهیم. هدف من در این کتاب آن است آنچه را که درباره‌ی خلاقیت و کارآفرینی می‌دانیم منسجم و یکپارچه کنیم تا بتوانیم این مهارتها را به روشنی تعریف و تدریس کنیم، بیاموزیم و به کار ببریم. نوآوری و کارآفرینی عوامل نیرومندی برای افراد، تیم‌ها، مؤسسه‌ها و کل جامعه به شمار می‌آید. با بهره‌مندی از این ابزارهای نیرومند قابلیت‌های باطنی‌مان شکوفا شده، اوضاع و موقعیت کسب و کارمان ارتقا یافته و برای برخورد با مسایل حاد و مخربی که دامنگیر جهان آمده می‌شویم. و انجام این

کار مستلزم پیروی از یک سلسله از مهارتهاست که از قوه‌ی تخیل آغاز می‌شود.

**قوه‌ی تخیل ما را به سوی خلاقیت،
خلاقیت به سوی نوآوری و
نوآوری به سوی کارآفرینی سوق می‌دهد.**

ارتباط این مهارتها را می‌توان با ارتباط خواندن و نوشتن قیاس کرد: نوزادان برای برقراری ارتباط صدا می‌سازند و قان و قون می‌کنند. آنان رفته رفته می‌آموزند بر این صداها مسلط شده و با ترکیب‌شان جمله بسازند، در مراحل بعدی با افزودن واژه‌ها، کلمات را ترکیب کرده و جمله‌سازی کنند و سپس با اتصال جملات، درباره‌ی مطلب و یا ماجرای حرف بزنند و افراد را تحت تأثیر قرار دهند. مدرسان زبان هم برای آموزش مهارت‌های کلیدی از جمله گرامر، لغات و اصطلاحات و خواندن و نوشتن دقت زیادی به خرج می‌دهند.

ماجرا → جمله → کلمه → صدا

ما نیز برای فراگیری خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی با یک متدولوژی مکمل نیاز داریم. در اینجا من برای حرکت از تخیل به سوی کارآفرینی تعاریف و روابطی را پیشنهاد و آن را سیکل ابداع نامگذاری کرده‌ام. این سیکل به طور کامل این فرایند را در بر گرفته و نشان می‌دهد که چگونه پایان این دوره به آغاز آن منتهی می‌شود، این راه میانبری است تا هنگام پیشروی از فکر و طرح و نقشه به سوی عمل ناگزیر نباشیم هربار تمام گامها را فهرست کنیم.



سیکل ابداع^۱

- **تخیل**، یعنی فرایند آرمان و یا تصویری در ذهن، که هنوز وجود خارجی ندارد.
- **خلاقیت**، یعنی استفاده از نیروی تخیل برای برخورد با یک چالش.
- **نوآوری**، یعنی استفاده از خلاقیت برای دستیابی به راه‌حل‌های یکتا و منحصر به فرد.
- **کارآفرینی**، یعنی استفاده از نوآوری به‌این‌اقوه به فعل درآوردن یک ایده، طرح و یا نقشه‌ی منحصر به فرد.

حال اجازه دهید به تفصیل درباره‌ی هر یک بحث و گفتگو کنیم.

تخیل یعنی ترسیم تصاویر ذهنی از چیزهایی که وجود خارجی ندارند. نیروی تخیل مستلزم کنجکاوی، یک درگیری تازه و توانایی به تصویر کشیدن طرح و یا ایده‌ای در ذهن است. این مهارت طبیعی متأثر از تجربیات شما در طول زندگی است. بنابراین هرچه با سیر و سفر و کتاب و فیلم و موسیقی بیشتر سر و کار داشته باشید، قوه‌ی تخیل‌تان

1. Invention نوآوری، اختراع، نوآوری، نوآوری

نیرومندتر و پرتکاپوتر می‌شود. بر این اساس برای تقویت نیروی تخیل خویش باید آرزومند غنی ساختن دانش و تجربه‌ی خود باشید و با روحیه‌ی مثبت اندیشه‌های نو و عقاید مثبت را بیازمایید. شما می‌توانید بر ایده‌های خیالی‌تان سرپوش گذارید و یا بعکس آنها را با دیگران سهیم شوید. به طور مثال می‌توانید حیوانی را در ذهن‌تان به تصویر بکشید که نتیجه‌ی جفت‌گیری یک گربه با یک پرنده است و یا فهرست غذایی را متصور شوید که دسیر آن پیش از صرف غذا سرو می‌شود. در مرحله‌ی بعد می‌توانید این تصورات را برای خود نگه دارید و یا آن را با دیگران سهیم شوید.

خلاقیت یعنی استفاده از نیروی تخیل برای غلبه بر چالش‌ها و در پی آن گشودن مرزهای جدید و امکانات تازه. به طور کلی افکار و آرمانهای خلاقه برای تأمین نیازهای خاصی متبلور می‌شود. البته ایده‌های نوظهور شما الزاماً برای دیگران نادرستی ندارد.

بسیار مهم است که تخیل و خلاقیت را از یکدیگر تمیز داده و این دو را به جای یکدیگر به کار نبرید. شما می‌توانید خود را در ییلاقی فرح‌بخش، در کنار رودخانه‌ای خنک، و یا در حال قدم زدن در جنگلی زیبا و انبوه مجسم کنید. اما تنها زمانی که از این تصاویر ذهنی تابلویی ترسیم و رنگ‌آمیزی کنید کاری خلاقه را به ثمر رسانده‌اید. می‌توانید اتومبیلی را که به جای بنزین با نور خورشید حرکت می‌کند در ذهن متصور شوید. اما به مجرد ورود به مرحله‌ی اجرا برای ساختن این اتومبیل به قلمرو خلاقیت گام می‌نهدید.

مارک رانکو و گارت جاگر کارشناسان مرکز خلاقیت^۱ تورانس در دانشگاه جورجیا پس از مرور و بررسی دهها تعریف و توصیف در مورد

خلاقیت در مقاله‌ای تحت عنوان «تعریف استاندارد خلاقیت»^۱ در ژورنال تحقیقات خلاقیت نوشتند: «خلاقیت مستلزم دو چیز است؛ تازگی و تأثیرگذاری. گرچه بکر بودن جزء لاینفک خلاقیت است اما هرچیز تازه و نوظهور تنها در صورت تأثیرگذاری خلاقه می‌شود.»

سیر کین رابینسون^۲، کارشناس خلاقیت نیز در این راستا می‌گوید: «افکار و آراهای خلاقه الزاماً نباید برای تمام مردم دنیا بکر و تازه باشد. آنها شما باید آن را نوظهور و ارزشمند تلقی کنید.»

نوآوری بسیاری از خلاقیت برای دستیابی به راه‌حل‌های یکتا و منحصر به فرد.

افکار و آراهای ابتکاری، برخلاف خلاقیت برای تمام مردم جهان تازگی دارند. برای دستیابی به ایده‌های ابتکاری باید از چشم‌اندازی تازه به جهان بنگرید؛ فرضیات جدید، کشیده و بیازمایید، موقعیتها را در چارچوبی متفاوت ببینید و ایده‌های مختلف را با هم ترکیب و تلفیق کنید. فرصتهای تازه‌ای را مشاهده کرده و با چالشهایی مقابله می‌کنید که در گذشته نسبت به آنها بی‌تفاوت بودید.

شرکتها برای نوآوری بهایی گزاف قایلند. آنها پیوسته در صددند با انجام کاری نوظهور در میدان رقابت از دیگران سبقت بگیرند. به همین دلیل نوآوری در دنیای کنونی بسیار معمول و متداول است. از جمله چاپ سه‌بعدی، عایق کاری با استفاده از قارچ و نوآوریهای توانایی در دنیای دیجیتال اعم از موبایل، کامپیوتر و صنایع وابسته.

نوآوری ممکن است در هر زمینه‌ای اتفاق بیفتد از جمله ریاضیات، هنر، موسیقی و آشپزی.

1. Standard Definition of Creativity

2. Sir Ken Robinson

کارآفرینی یعنی استفاده از نوآوری برای این که فکر و یا آرمانی تازه و منحصر به فرد جامه‌ی حقیقت به تن کند و در این رهگذر قوه‌ی تحلیل دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. کارآفرینی در کسب و کارهایی مورد نیاز است که از آن برای تولید انبوه استفاده کرده و به آن جنبه تجاری می‌دهند و به همین اندازه برای کارهایی مفید و راهگشاست که برای برخورد با مسائل حادّ و مشکل‌آفرین به اندیشه‌های کارآفرینانه نیاز دارند. به طور مثال پزشکان کارآفرین پیوسته در حال تحقیق و یا انجام طرح‌هایی برای نجات جان بیماران هستند؛ اساتید کارآفرین همواره در صدد کشف و ایجاد روش‌های آموزشی تأثیرگذارند و سیاست‌گذاران کارآفرین اسناد، اصول و قوانینی را برای ریشه‌کن کردن مسایل اجتماعی تدوین را از آن بر می‌کنند.

بسیاری از افراد با تأکید بر این نکته که نوآوری باید تأثیر قابل توجهی بر جهان داشته باشد، نوآوری و کارآفرینی را با هم ترکیب و یکپارچه می‌کنند. غافل از این که این کار گیج‌کننده، افراد را در درک این مفاهیم به اشتباه می‌اندازد. بسیاری از انکار و آرمانهای سازنده و نوآوری‌های حاصل از آن به دلایل مختلف مرکز را گاراژ یک خانه و یا آزمایشگاه یک مؤسسه تحقیقاتی بیرون نمی‌آید. علت آن است که شاید برای یک نوآوری خاص، انگیزه‌ای برای تولید انبوه و یا انجام شدنش وجود نداشته باشد و یا چه بسا مشکلات مالی یا فرهنگی مانع از تبلور یک نوآوری شود. با وجود این حتی اگر یک نوآوری به فعلیت درنیاید همچنان نوآوری شمرده می‌شود. بعضی از کارآفرینان با الهام بخشیدن به نیروی تخیل دیگران و ایجاد تمایلی نیرومند و انگیزه‌ای قوی در نهادشان به طرحها و نقشه‌های خویش جامه‌ی عمل می‌پوشانند. این مدل مربوط به استارت‌آپ‌ها و شرکتهای نوپیادی است که تحقق فکر یا ایده‌ی

جدیدشان، خواه یک محصول، خدمت و یا اثر هنری، به افزایش جمعی قوه‌ی تخیل منجر می‌شود. به طور مثال ساخت آی فون به قوه‌ی تخیل و نیز خلاقیت میلیون‌ها نفر که تا به آن روز امکان ابداع چنین کالایی را ناممکن می‌پنداشتند و اندیشه‌های بکر و پویای خویش را در نطفه خفه می‌کردند پرو و بال داد. همچنین مدیران بعضی از مؤسسه‌ها از یک تیم فوتبالی گرفته تا یک گروه تحقیقاتی توانستند با کارهای نوظهور و ابتکاراتی افق‌های تازه‌ای را به روی دیدگاه‌های دیگران بکشایند.

یکی از مریض‌های کارآفرینی سرایت سریع آن به دیگران است. اگر دل و روح شما سرشار از امید و عشق به آفرینش پدیده‌ای نو و بدیع باشد، مسلماً این میل را شایق به افرادی که با آنان سر و کار دارید سرایت پیدا کرده و امواج حروشن تخیل، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در وجودشان متظاهر می‌شود.

چارچوب سیکل ابداع با تعیین، آدای روشن، اعمال و نگرشهای مورد نیاز برای یادگیری و آموزش، این مهارت‌ها را توسعه می‌کند. می‌توانیم با نگاهی به هر مرحله تعیین کنیم چگونه در بهارهای مربوط به آن، پیش از رفتن به مرحله‌ی بعد، ماهر و کارگشته شده‌ایم. هر مرحله از سیکل شامل چکیده‌ای از نمونه‌ی انگیزش و عملکردی است که باید در آن مرحله‌ی خاص اتفاق بیفتد.

نگرش‌ها و عملکردهای سیکل ابداع

- تخیل محتاج یک درگیری تازه است و این توانایی که گزینه‌های مختلف را در ذهن‌تان به تصویر بکشید.
- خلاقیت محتاج انگیزه و آزمودن است تا بتوان بر چالش‌های پیش رو غلبه کرد.

- **نوآوری** محتاج تمرکز و تغییر چارچوبها و چشم‌اندازها برای دستیابی به راه‌حل‌های یکتا و منحصر به فرد است.
- **کارآفرینی** محتاج مداومت و پایداری است. باید به طرحهایی که در سر دارید ایمان کامل داشته باشید و در پرتو آن الهام‌بخش دیگران باشید.

مثال زیر کارکرد این اصول را به روشنی نشان می‌دهد:

کیت روزنبلات ماهها به اتفاق اعضای تیم خود، که در طب، مهندسی و امور جاری و اوابق درخشانی داشتند در یک بیمارستان به تحقیق پرداخت تا مهم‌ترین نیازهای تأمین نشده پزشکان و بیماران را پیدا کند. در مرحله‌ی بعد، کیت و تیمش ایده‌های کل را، از موانع بیماران سرپایی گرفته تا نارساییهای مربوط به جراحی که نیاز مبرمی به حل و فصل داشت فهرست کردند. آنان ضمن حضور هفت روز در بیمارستان با چشمان تیزبین خویش کوشیدند فرصتهای بیشماری را که تا آن زمان از نظرها دور مانده بود پیدا کنند.

اعضای تیم در جریان پژوهش‌شان به نرسد زدی برخورد کردند که دچار لرزش دست بودند و این نارسایی ایشان را از انجام بسیاری از کارهای روزمره مثل نگه داشتن فنجان قهوه در دست یا بستن دکمه‌های پیراهن باز می‌داشت. آنان پس از بررسی فراوان با این نتیجه رسیدند که حدود هشت میلیون نفر در آمریکا دچار بیماریهای عصبی هستند که به انواع رعشه منجر می‌شود و خدمات پزشکی و دارو تاکنون در تسکین این نارساییها تأثیر قابل توجهی نداشته است. مؤثرترین درمان تا آن زمان تحریک عمیق و وسیع سلولهای مغز به وسیله جریان برق، هم سخت و طاقت‌فرسا، و نیز گران و پرهزینه بود. بعلاوه پزشکان می‌بایستی

برای مدت طولانی چند سیم در مغز بیمار و یک باتری در سینه‌اش کار می‌گذاشتند.

در مرحله‌ی خلاقیت که از انگیزه و آزمایش‌های متعددی تأثیر می‌پذیرفت اعضای تیم ضمن مشورت با کارشناسان و مطالعه‌ی کتابها و مقالات مربوطه، راه‌حل‌های احتمالی را آزمودند. آنان کارشان را با شیوه‌ای درمانی ساده آغاز کرده و به راه‌حل‌هایی رسیدند که تاکنون کشف یا آزموده نشده بود.

در مرحله‌ی آزمون، کیت و تیمش به بینشی رسیدند که نظرشان را درباره‌ی درمان، پیشه به کلی عوض کرد. زیرا دریافتند که درمانهای رایج به طور عمده بر روی مغز متمرکز است. در حالی که بیماران به علایم نارسایی بر روی دستها و روهانشان حساس بودند. این آگاهی سبب شد که آنان به بهبود وسایل پوشیدن، که لرزش را در منشاء درمان می‌کند روی آورند. این شیوه‌ی درمانی بدون هیچ‌گونه عوارض جانبی مؤثر واقع شد، و در نتیجه جراحی مغز که همواره با مخاطراتی توأم بود به طور کامل منسوخ گردید.

در مرحله‌ی کارآفرینی، کیت شرکتی را به نام «کالا هلت»^۱ برای تولید و عرضه‌ی لوازم پزشکی مؤثر به منظور درمان بیماران مبتلای از اعصاب بنیان نهاد. او برای عرضه‌ی این محصولات به بازار، با منابع زیادی دست به گریبان بود، از جمله استخدام اعضای تیم، دریافت تأییدیه از سازمان دارو و غذا، افزایش سرمایه به میزان قابل توجه، و تولید محصول بازاریابی آن. این کارها نه تنها مستلزم پشتکار فراوان بود، بلکه ضرورت داشت دیگران را برای یک سرمایه‌گذاری خطرجوی در شرکتش برانگیزد

و از همه مهم‌تر بازار را برای استقبال از محصولاتش آماده کند. کیت هنگام بسط و توسعه‌ی نخستین محصول خود به جستجوی افکار و راه‌حل‌های تازه برآمد تا بتواند با استفاده از رویکردی مشابه سایر ناخوشیها را نیز درمان کند. او می‌دانست هر زمان که تصویر چیزی را بر پرده خیال بتاباند، با رویداد جدیدی روبه‌رو می‌شود که خود آن او را در جهت به تحقق پیوستنش هدایت می‌کند.

در اینجا اشاره به نکته‌ای ضروری است: شما پس از چند بار استفاده از سبک ابداع رفته‌رفته به طور خودکار به مهارت‌های مربوط به آن تسلط پیدا می‌کنید. در واقع این ساختار دفترچه راهنمایی را در اختیارتان می‌گذارد تا تکیه بر آن در فصولی که برای متجلی ساختن افکار و آرمانهای بکر و بی‌پایان است ماهر شوید. گرچه هرکسی که در قلمرو کارآفرینی فعالیت می‌کند الزاماً نباید در تمام فنون سیکل ابداع ماهر باشد. اما هر سرمایه‌گذار خط بوی باید بر تمام اجزاء این سیکل اشراف کامل داشته باشد. چنانچه از هدف‌ان تجسمی ذهنی داشته باشید و سپس برخیزید و برای تحقق آن هدف‌تان میدان کارزار زندگی شوید طبق قانون جذب طرح‌هایی را که بر پرده خیال ترسیم کرده بودید فرصت‌های مناسبی را برای تحقق اهداف شما در دسترس‌تان قرار خواهد داد. بعکس مادام که تصاویر و پندارهای معمولی و یکنواخت به بی‌روح به ذهن راه دهید تغییر در شیوه کار و زندگی‌تان ممکن و میسر نخواهد بود. تنها افرادی که متأثر از شور و انگیزه‌ی فراوان همه نیروهای نهفته در وجودشان را برای رسیدن به هدف‌شان به جریان می‌اندازند می‌توانند با چالش‌ها رو در رو شده و برای دفع موانع و مسایل دست و پاگیر راه و چاره‌ای پیدا کنند. از سوی دیگر در غیاب افراد مبتکر و نوآوری که فرضیات چالشی را کانون توجه قرار داده و مسایل را در چارچوبی متفاوت

می‌سازند افکار و ایده‌های بکر و تازه مجال ظهور پیدا نخواهند کرد. و سرانجام در فقدان کارآفرینان ثابت قدم و پیگیر که الهام‌بخش دیگرانند نوآوری به گلی پژمرده می‌ماند که امکان نشو و نمو و شکوفایی را از دست داده است. مدل سیکل ابداع چارچوبهای مربوط به نوآوری و کارآفرینی را تثبیت و مستحکم می‌کند. فراموش نکنید همان‌گونه که پیش از آمرختن جبر و هندسه باید در حساب مسلط شوید، پیش از برخورد با مسایل مربوط به طراحی محصولات جدید، و یا پایه‌گذاری شرکتی خارج از بوی ضرورت دارد از چارچوب ذهنی کارآفرینی و متدولوژی (روش مناسب) مربوط به آن آگاه باشید. در فصل آخر با شرح و تفصیل در مورد این که چگونه سیکل ابداع بر روی هر یک از این مدل‌ها استوار می‌شود گفتگو خواهیم کرد.

همچنین در فصول بعد اجزای سیکل ابداع را تشریح و سپس ترکیب و سرهم می‌کنیم. هر یک از بخشهای این کتاب - تخیل، خلاقیت، نوآوری، و کارآفرینی - با اشاره به اجرای واقعی راه را برای درک دو فصلی که در آن بخش قرار دارد، صاف و هدایت می‌کند. هر فصل حاوی طرحها و تمریناتی است که به شما امکان می‌دهد در مهارتهای مورد اشاره در آن فصل به مرحله تسلط برسید.

نخستین بخش این کتاب به شما می‌آموزد چگونه با درگیر شدن در کاری در دنیای پیرامون خویش و مجسم کردن چیزی جدید و متفاوت بر پرده‌ی ذهن قوه‌ی تخیل‌تان را تقویت کنید. کنجکاوی به عنوان کلید ورود به قلمرو تخیل درها را به روی فرصتهای بیشماری می‌گشاید تا ضمن شناسایی موانعی که باید بر آنها چیره شوید چگونگی دستیابی به آن فرصتها را در ذهن به تصویر بکشید.

بخش دوم به شما می‌آموزد که چگونه با به‌کارگیری نیروی تخیل افکار و آرمانهای خلاقه بیافرینید. همچنین اهمیت ایجاد انگیزه و تعهد را برای برخورد با چالشها و نیز نقش آزمایش را برای ارزیابی راه‌حل‌ها به نمایش می‌گذارد. انگیزه و آزمایش چون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوسته و متصلند. زیرا هر انگیزه‌ای به طور طبیعی به آزمودن چیزی منجر شده و نتایج حاصل از آن به شور و انگیزه پر و بال می‌دهد.

بخش سوم نشان می‌دهد که چگونه از خلاقیت‌تان برای آفرینش راه‌حلهای مسترانه سود ببرید. این فرایند شما را ملزم می‌کند ذهن‌تان را به رای کامل، تمرکز کرده و هر موقعیت خاص را چارچوبی متفاوت ببینید، و این خود مستلزم آن است که نخست بر موانع ذهنی، عاطفی و اجتماعی چیره شوید و انباشتم‌اندازهای مختلف به فرصتها نظر افکنید.

بخش چهارم نشان می‌دهد که چگونه نوآوریها را به کار گیرید، افکار و آرمانهای خلاقه را عملیاتی کنید. در این راستا الهام‌بخش دیگران باشید. با تعریف روشن از نیروی تخیل، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و یک رده‌بندی که ارتباط آنها را با یکدیگر روشن می‌کند، سیکل ابداع راه عبور از الهام تا اجرا را به شما نشان می‌دهد. این چارچوب نگرشها و عملکردهای لازم را برای تقویت نوآوری و عرضه به بازار و آرمانهای درخشان و موفقیت‌آمیز به جهان به نمایش می‌گذارد.

با درک سیکل ابداع و تسلط بر نگرشها و عملکردهای لازم می‌توانید فرصتهای بیشماری را شناسایی کرده، فرضیات افزونتری را به چالش کشیده، راه‌حل‌های منحصر به فردی آفریده و به افکار و آرمانهای بیشتری جامه‌ی عمل ببوشانید. این ابزارهای نیرومند یاریتان می‌کند راهی برای آفرینش زندگی دلخواهتان طرح‌ریزی کنید.

پروژه

نامه‌ای خطاب به خود نوشته و در آن توضیح دهید که در آینده آرزومند چه دستاوردهایی هستید؛ زمان قابل حصولی را برای رسیدن به این اهداف تعیین کنید و در این راستا دقیق و شفاف باشید. مقصود این تمرین آن است که با آفرینش چارچوب ذهنی مناسب راهی برای تحقق آما را آرزوهایتان طرح‌ریزی کنید. در پایان فصل دوم فرصتی برای مرور مجدد این نامه در دسترس‌تان قرار می‌گیرد. بنابراین در حال حاضر این نامه را پیش‌رو yourself قرار است بازبینی شود به شمار آورید.